



## تأثیر بیدل بر غزل شاعران نسل اوّل انقلاب اسلامی

سپیده یگانه (دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء<sup>۳</sup>)

مهدی نیک‌منش (دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء<sup>۳</sup>)

### چکیده

شعر نسل اوّل انقلاب اسلامی، با تمام تفاوت‌های سبکی، فصولی مشترک از جمله تأثیرپذیری از ذهن و زبان بیدل دارد. شاعران این نسل، هریک، به اقتضای سبک شخصی، بخشی از گستره سبک شاعری بیدل را در آینه شعر خود نمایانده‌اند و، در این میان، سهم غزل‌سرایان متمایل به سبک هندی بیش از دیگران است. مسئله اصلی این پژوهش تأثیرپذیری غزل نسل اوّل شاعران انقلاب اسلامی از شعر بیدل در دو بخش هنری و غیر هنری و نیز سه حوزه بیان، بدیع و زبان است. نتایج نشان می‌دهد که، به ترتیب، بهره‌گیری از نماد و تشبیهات بیدل‌وار در حوزه بیان؛ تصاویر پارادوکسی، حس‌آمیزی و تشخیص در حوزه بدیع؛ و ترکیب‌های مقلوب و وابسته‌های عددی در حوزه زبان برجسته‌تر می‌نماید. غزلیات یوسفعلی میرشکاک، علی معلم دامغانی، سیدحسن حسینی، عبدالجبار کاکایی، علیرضا قزوه، ساعد باقری و سیدمحمد عباسیه‌کهن، که در این پژوهش بدان پرداخته شده، شواهدی گویا

بر بیدل‌گرایی شاعران نسل اول انقلاب اسلامی است؛ هرچند که میزان تأثیرپذیری هریک از ذهن و زبان بیدل متفاوت است.

کلیدواژه‌ها: بیدل، بیدل‌گرایی، سبک هندی، غزل بیدل، شاعران نسل اول انقلاب اسلامی.

## 1- مقدمه

نسل اول شاعران انقلاب اسلامی به کسانی اطلاق می‌شود که، اگرچه پیش از پیروزی انقلاب در شعر و شاعری شناخته شده بودند، پس از سال 1357 به شکوفایی و بلوغ هنری دست یافتند. این نسل که اغلب متولدان دهه سی را در بر می‌گیرد توانست، همپای تحولات سیاسی و اجتماعی، پیشرو تحولاتی چشمگیر در ابعاد گوناگون شعر پس از انقلاب باشد؛ تا آنجا که به شکل‌گیری یکی از جریان‌های برجسته شعر معاصر به نام شعر انقلاب اسلامی انجامید.

شاعران نسل اول انقلاب اسلامی در آثار خود پیرو سبک‌های ادبی متفاوتی‌اند اما، با وجود تفاوت‌های بسیار، در تأثیرپذیری از بیدل با هم مشترک‌اند. شاعران سردمدار این نسل، که به‌نوعی با بیدل سروکار داشته‌اند، تحت تأثیر ذهن و زبان او قرار گرفته و هریک به تناسب سبک شخصی خود از آن بهره‌مند شده‌اند.

تأثیرپذیری شاعران نسل اول انقلاب اسلامی از بیدل نه تنها در غزل بلکه در دیگر قالب‌ها به‌ویژه مثنوی نیز آشکار است. اما از آنجا که بسامد آن در قالب غزل بالاتر از دیگر قالب‌هاست و بیشترین آثار شاعران این نسل در آن قالب سروده شده، گستره این پژوهش به قالب غزل و در سه حوزه بیان، بدیع و زبان (به‌ترتیب بسامد) محدود شده است.

## 2- پیشینه پژوهش

سیر مطالعاتی دربارهٔ مشابهت‌ها و مشترکات نظام فکری و زبانی بیدل با دیگر متفکران و شاعران از پی انتشار سه کتاب *بیدل چه گفت* (1322)، نوشتهٔ فیض محمدخان زکریا، و *افکار شاعر* (1326) و *نقد بیدل* (1343)، نوشتهٔ صلاح‌الدین سلجوقی، در افغانستان آغاز می‌شود. *بیدل چه گفت* تحلیلی آرمان‌گرایانه از افکار فلسفی-عرفانی بیدل به دست می‌دهد؛ *افکار شاعر* مقایسه‌ای میان نظام فکری بیدل، کانت و دکارت است؛ و *نقد بیدل*، افزون بر تحلیل و تفسیر ابیات، به مقایسهٔ نکات عرفانی و فلسفی آثار بیدل با متفکرانی همچون هگل و ماکیاولی می‌پردازد. بررسی تأثیر بیدل بر ذهن و زبان فارسی‌سرایان معاصر با انتشار کتاب *بیدل، سپهری و سبک هندی* (1367)، نوشتهٔ سیدحسن حسینی) در ایران آغاز و، در آن، به مشابهت‌های ساختاری و محتوایی بیدل و سپهری پرداخته شد. پس از آن، تنها چند مقالهٔ مطبوعاتی در بررسی مشترکات محتوایی اشعار بیدل و فروغ فرخزاد،<sup>1</sup> تصویرهای بیدل‌وار در شعر آیینی<sup>2</sup> و تحلیل جریان بیدل‌زدگی<sup>3</sup> در شعر معاصر در دست است. با توجه به پژوهش‌های موجود، بررسی تأثیر بیدل بر ذهن و زبان غزل‌سرایان نسل اول شاعران انقلاب اسلامی، که بیشترین تأثیر را از وی پذیرفته‌اند، مقبول می‌نماید.

## 3- سبک بیدل

اگرچه بیدل در زمرهٔ شاعران هندی‌سرا قرار گرفته، برخی ویژگی‌ها سروده‌های وی را از دیگر شاعران مشهور سبک هندی متمایز می‌کند؛ از آن جمله است:

1. سعید یوسف‌نیا، «درنگی در ساحت باطنی شعر و زندگی؛ با تأملی در شعرهای فروغ و بیدل»، شعر، ش 47، تابستان 1385، ص 47-54.

2. محمدعلی مجاهدی، «رذ پای بیدل در قلمرو شعر آیینی»، روزنامهٔ جام جم، 1379/3/1، ص 6.

3. علی یمگانی، «از بیدل‌زدگی تا غزل باب روز»، روزنامهٔ رسالت، 1373/1/1، ص 5 و 6.

### 3-1- بازتاب عرفان عملی، فلسفه و تفکر شاعرانه

سبک هندی، که از مضامین پیش‌پافتاده کوچهبازار اشباع شده بود، در شعر بیدل، در خدمت مفاهیم عمیق‌تر و پیچیده‌تری چون فلسفه و عرفان قرار گرفت. این مضامین، در شعر بیدل، از تجربه‌های عمیق عرفانی و شناخت اصیلی از فلسفه اسلامی برمی‌خیزد. همه این‌ها سبب آمده است سبک بیدل از ابعاد سبک هندی فراتر رود، تا آنجا که سیدحسین حسینی آن را «سبک هندی مضاعف» یا «هندي عمیق» بنامد (حسینی 1، ص 17؛ هادی، ص 90-91). بدین‌قرار، می‌توان بیدل را از بزرگ‌ترین سراینندگان افکار فلسفی-عرفانی در سبک هندی دانست.

### 3-2- زبان

برخی شگردهای زبانی شعر بیدل، علاوه بر دایره واژگانی وسیع و ویژگی‌های زبان محاوره عصر خود، عبارت است از: تکرار، حذف، جابه‌جایی‌های هنرمندانه اجزای جمله و مهم‌تر از همه تعبیرهای کنایی و توسعه چشمگیر حوزه معنایی واژگان. چنین است که برخی واژگان معنایی سیال، هاله‌ای و فرار دارند؛ تا آنجا که گاهی وجود آن‌ها به نوعی معنی‌ناپذیری و ابهام می‌انجامد. (← کاظمی 4، ص 14-15)

### 3-3- بدیع و بیان

بیان در شعر بیدل نمادین است و رمزآلود، همراه با تخیلی نیرومند و هنرمندی‌های صوری. بیدل در رعایت تناسب‌های لفظی و معنوی تواناست و از آرایه‌هایی چون انواع ابهام و تناسب بسیار استفاده می‌کند.

## 4- عوامل تأثیر بیدل بر شعر معاصر ایران

پیش از انقلاب اسلامی، بیدل در فضای ادبی ایران شاعری ناشناخته بود. سعید نفیسی، با مقدمه‌ای بر کتاب *بیدل چه گفت*، و شفیع کدکنی، با مقاله «بیدل دهلوی»<sup>1</sup> از نخستین محققانی بودند که به معرفی بیدل پرداختند؛ هرچند که در آثار مزبور به بیدل به مثابه شاعری موفق نگریسته نشده است. امیری فیروزکوهی، محمد قهرمان، مهرداد اوستا و علی معلم دامغانی نیز از معدود شاعرانی بودند که با آثار بیدل آشنایی داشتند.

پس از انقلاب اسلامی، این بیدل‌پژوهی‌های پراکنده به موجی جدی بدل شد. نخستین نشانه‌های آن چاپ دیوان *مولانا عبدالقادر بیدل دهلوی* (1363، تصحیح خلیل‌الله خلیلی) بود به همت شاعر و منتقد معاصر، یوسفعلی میرشکاک.<sup>2</sup> پس از آن، مجموعه مقالات شفیع کدکنی به نام *شاعر آینه‌ها*<sup>3</sup> با رویکردی کاملاً متفاوت منتشر شد و با فاصله اندکی نیز کتاب *بیدل*، سپهری و سبک هندی از سیدحسن حسینی.

به هر روی، تأثیر بیدل بر اشعار و به‌ویژه غزل‌های شاعرانی چون علی معلم دامغانی، سیدحسن حسینی، یوسفعلی میرشکاک، ساعد باقری، علیرضا قزوه، احمد عزیزی، عبدالجبار کاکایی و عده‌ای دیگر از جوان‌ترها آشکار است؛ چنان‌که می‌توان آن را جریان ادبی در شعر شاعران نسل اول و دوم دانست و به بررسی آن پرداخت.

اما دیگر عامل تأثیر سبک بیدل بر شعر معاصر ایران، در سه دهه اخیر، ورود شاعران مهاجر افغانستان بود به محافل ادبی استان‌های گوناگون به‌ویژه خراسان و تهران. شعر این شاعران ویژگی‌های سبک هندی به‌ویژه شعر بیدل را داشت و زمینه آشنایی هرچه بیشتر اهل ادب را با جلوه ذهنی و زبانی شعر بیدل فراهم می‌کرد. از نخستین شاعران مهاجر ره‌یافته به محافل و کنگره‌های ادبی ایران می‌توان سعادت‌ملوک تابش و

1. محمدرضا شفیع کدکنی، «بیدل دهلوی»، هنر و مردم، ش 74 و 75، آذر و دی 1347، ص 43-51.

2. وی، با نام مستعار منصور منتظر، کتاب مزبور را به همت نشر بین‌الملل به چاپ رساند.

3. محمدرضا شفیع کدکنی، *شاعر آینه‌ها*، آگاه، تهران 1366.

سیدفضل‌الله قدسی را نام برد و پس از آن‌ها عبدالغفور آرزو، سیدنادر احمدی، حسن حسین‌زاده، محمدشریف سعیدی، محمدکاظم کاظمی و سیدابوطالب مظفری. شواهد زیر نمونه‌ای است از اشعار بیدل‌وارِ دو تن از آن‌ها:

ز حیا به محفل ناز او نگهم به دیده نمی‌رسد      دو جهان زبان آگرم بود، به لب گزیده نمی‌رسد

(سعادت‌ملوک تابش؛ به نقل از کاظمی و رحمانی، ص 13 و 14)

پای خواب‌آلود این راهم، قدم‌دزدیده‌ام      سرمه‌ام؛ از خجالت اظهار، دم‌دزدیده‌ام

(کاظمی 2، ص 38 و 39)

## 5- بررسی تأثیرپذیری غزل‌سرایان نسل اول شعر انقلاب اسلامی از بیدل

چنان‌که پیش از این گفته شد، شاعرانی که به سبب مطالعه و پژوهش با شعر بیدل آشنایی یافتند خود نیز تحت تأثیر ذهن و زبان وی قرار گرفتند، تا آنجا که آشکارا در اشعار خود به این تأثیرپذیری اشاره می‌کنند:

بر سخن غالب نشد چون ما - معلم! تا کسی      ریزه‌خوار خوان عبدالقادر بیدل نشد

(معلم دامغانی، ص 213)

یا به استقبال مصرعی از بیدل می‌روند:

«عالمی سرگشته است از اضطراب گریه‌ام»      گرچه خندیدند آخر از جواب گریه‌ام

(عباسیه‌کهن، ص 43)

تأثیرپذیری شاعران ایرانی را از بیدل می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: الف) تأثیرپذیری هنرمندانه: گروهی از شاعران نسل اول انقلاب اسلامی که با بیدل آشنایی داشتند، متأثر از آثار او، در سه حوزه بیان و بدیع و زبان، ویژگی‌های سبکی او را در چهارچوب شعر خود گنجانده‌اند، اما، در عین حال، هویت و استقلال شاعر خدشه‌دار نشد و شعر همچنان به صاحب‌اثر خود تعلق داشت. تمامی شواهدی که متعاقباً بدان‌ها

استناد خواهد شد از این دست سروده‌هاست. ب) تأثیرپذیری غیر هنرمندانه: این گونه تأثیرپذیری هویت مستقلی برای ذهن و زبان شاعر باقی نمی‌گذارد، بلکه او صرفاً بلندگویی می‌شود برای تکرار مضامین و فرهنگ زبانی بیدل و، به قطع، هیچ سنخیتی با اقتضائات زمانه خویش ندارد و غزل را به قالبی برای بازی با اصطلاحات بیدل تنزل می‌دهد (← کاظمی 1، ص 315-316). این بیت شاهدهی بر این مدعاست:

با جگر هم‌خانه می‌باشد کبابِ دردِ ما      از نمک پروا ندارد زخمِ خون‌پروردِ ما

(همان، ص 13)<sup>1</sup>

## 6- حوزه‌های تأثیر بیدل بر غزل شاعران نسل اول انقلاب اسلامی

### 6-1- بیان

#### 6-1-1- نماد/ توسعه معنایی

در شعر بیدل، برخی واژگان، که شمارشان کم نیست، از معنای لغوی و صریح خود فراتر می‌روند و ویژگی سیال و هاله‌ای می‌یابند (← کاظمی 3، ص 103-105)، چنان‌که می‌توان آن‌ها را نمادهای ابداعی بیدل دانست که در شعر او پیوسته تکرار می‌شود؛ از آن جمله است: آینه، جوهر، نقش‌نگین، ماه و کتان، حنا و... (← همان، ص 40-43). البته صرف بسامد بالای این نمادها در شعر بیدل سبب نشده است که آن را ویژگی سبکی شاعر بدانیم، بلکه رویکرد متفاوت بیدل در به‌کارگیری نمادها و ایجاد تحول معنایی در آن‌هاست که استفاده از این دست واژگان را از شاخصه‌های اشعار وی قرار می‌دهد. در این مجال کوتاه، فرصت پرداختن به همه این نمادها نیست و تنها به سه نمونه از آن‌ها بسنده می‌شود.

1. و نیز ← همان، ص 15.

### 6-1-1-1-1-1 آینه

از محوری‌ترین عناصر شعر بیدل است که با دو رویکرد منفی و مثبت بدان نگریسته شده. در رویکرد منفی، آینه نماد خودبینی و خودنمایی و دویی است. در رویکرد مثبت، که در آثار بیدل بر رویکرد منفی غلبه یافته، آینه به منزله چشمی است که از تعجب باز مانده و، در این معنا، مظهر حیرت است:

عمری ست که چون آینه در بزم خیالات      حیرت‌نگه یک مژه خواب است دل ما

(دیوان بیدل دهلوی، ص 86)

افزون بر این‌ها، آینه معنای کنایی و وسیع‌تری نیز دارد: نشانه وجود، هستی، نمودار شدن، دیده شدن، پدید آمدن، به نظر آمدن و مفاهیمی از این قبیل. بنابراین، آینه و ترکیب‌های برساخته با آن در بسیاری جای‌ها کاربردی کنایی دارد و از بود یا نبود چیزی خبر می‌دهد؛ مانند «آینه‌دار»، «آینه‌پرداز»، «آینه شدن»، «شکست آینه»، «غبار آینه» و... از دیگر ترکیب‌های برساخته با آینه که در شعر بیدل معانی متفاوت و کنایی دارد می‌توان به «آینه امتحان»، «آینه زانو»، «آینه‌خانه»، «جوهر آینه» و... اشاره کرد (← کاظمی 4، ص 739-741: شفعی کدکنی، ص 323-324). از این میان، آنچه به غزل معاصر راه یافته عبارت است از: «آینه‌دار»، «آینه‌خانه»، «آینه‌ذات»، «آینه‌پوش» و انواع ترکیب‌های برساخته با «آینه» و «حیرت» که، در همان حوزه‌های معنایی بیدل‌وار، از آن‌ها بهره گرفته شده است:

هستم برهنه و فاش، در طلیسان حیرت      آینه‌پوشِ چشمت، مستغنی از نقابم

(حسینی 2، ص 98)<sup>1</sup>

### 6-1-1-2-1-1-1 رنگ

واژه رنگ در شعر بیدل نمادی است از زیبایی، جلوه، اظهار، پیدایی، هستی و وجود؛ نشانه‌ای است از جهان مادی در برابر بی‌رنگی که خاص ذات خداوند است. به تصریح کتاب گزیده

1. نیز ← میرشکاک 1، ص 361، 376، 382؛ کاکایی 2، ص 133-141.



غزلیات بیدل (← کاظمی 4، ص 760-761)، رنگ، در شعر بیدل، با ترکیب‌های بسیاری همراه می‌شود که از آن جمله است:

- پریدن / شکست / رفتن / باختن رنگ: نابودی؛ پرواز رنگ: تعبیری دیگر از پریدن رنگ که به خلق ترکیب‌هایی نظیر «مرغ‌رنگ» انجامیده است؛ گردش رنگ: دگرگونی، نابودی؛ رنگ شوخ: رنگ تند و ... در اینجا، به ذکر یک نمونه بسنده می‌شود:

حذر کن از شکفتن تا نبازی رنگ جمعیت جراحات‌ها جز آغوشِ وداعِ خون نمی‌باشد

(دیوان بیدل دهلوی، ص 568)

رنگ، در غزل شاعران نسل اوّل انقلاب اسلامی، بیشتر به صورت منفرد نمود دارد یا در ترکیب‌هایی چون «شکست رنگ»، «پریدن رنگ» و «بستن رنگ»:

چو وهم هر دو جهان درنیافت جای علی را خیالِ رنگ نبندد مگر ثنای علی را

(میرشکاک 2، ص 25)

شکفت بر رخ گل چشم تنگ باغچه‌ها شکست در قدح لاله رنگ باغچه‌ها

(معلم دامغانی، ص 194)

### 6-1-1-3- نفس

نفس، پس از آینه و رنگ، از عناصر کلیدی شعر بیدل است؛ دایره معنایی گسترده‌ای دارد و نماد این عناصر است: هستی، حیات، عمر، هموارکننده راه فنا، تعلق، هوس، موهومی زندگی و ... . نفس آینه را کدر می‌کند؛ صبح و حباب با یک نفس از میان می‌رود و شیشه با دمیدن نفس شکل می‌گیرد. در مجموع، چون با زندگی مادی انسان در ارتباط است، نماد پیچ‌وتاب و ناآرامی و بازماندن از کمال و نرسیدن به حقیقت است. راه چاره ضبط آن است و رهیدن از کشاکش‌های این زندگی. اینک، برخی ترکیب‌های برساخته با نفس:

- بی‌نفس؛ خاموش؛ ضبط نفس؛ خودداری، تأمل؛ نفس دزدیدن؛ خاموشی؛ نفس سوختن؛ از نفس افتادن به دلیل تلاش بسیار (← کاظمی 4، ص 783-784؛ همو 5، ص 46). اینک، نمونه‌ای از آن:

کسی به ضبط نفس چون سحر چه سحر فروشد رها کنید غبار عنان گسسته ما را

(دیوان بیدل دهلوی، ص 240)

دامنه معناییِ نفس در غزل شاعران نسل اول انقلاب اسلامی به مفاهیمی چون هستی، حیات، عمر، هموارکننده راه فنا، تعلق، هوس و موهومی زندگی محدود می‌شود:

می‌خواهمت ای خواسته جز من همه کس را وی آخته بر کشتن من تیغِ نفس را

(حسینی 2، ص 32)

هر نفس گویاترین خطی ست از حق، ای دریغ حرف حق در خط طومارِ نفس گم می‌شود

(عباسیه کهن، ص 44)<sup>1</sup>

جدول 1- تأثیر بیدل بر حوزه بیان (نماد)<sup>2</sup>

شاعران							بیان
علیرضا قزوه	علی معلم دامغانی	ساعده باقری	عبدالجبار کاکایی	سیدمحمد عباسیه کهن	یوسفعلی میرشکاک	سیدحسن حسینی	نماد
17	6	-	5	7	10	8	آینه
-	2	1	-	1	6	1	رنگ
2	1	1	2	2	1	2	نفس
-	3	-	3	-	3	-	تصویر

1. و نیز ← کاکایی 1، ص 68؛ میرشکاک 1، ص 34؛ حسینی 2، ص 87.  
2. با توجه به حجم محدود مقاله، تنها چند نمونه از نمادپردازی‌ها به تفصیل می‌آیند. اما تمامی نمادهای موجود در شعر بیدل در جدول نمایش داده می‌شود. همچنین است مباحث بدیعی و زبانی.

## ادامه جدول 1- تأثیر بیدل بر حوزه بیان (نماد)

شاعران							بیان
علیرضا قزوه	علی معلّم دامغانی	ساعد باقری	عبدالجبّار کاکایی	سید محمد عباسیه کهن	یوسفعلی میرشکاک	سید حسن حسینی	نماد
-	1	1	1	1	2	1	سرمه
2	2	4	-	-	3	2	جنون
1	7	1	1	4	4	3	موج / محیط (بحر، دریا، اقیانوس) / قطره
-	1	1	3	3	3	-	غبار
-	1	1	1	1	1	1	دستگاه
-	2	1	1	1	1	1	ناموس
-	1	1	1	3	1	1	حباب
-	2	1	1	1	1	1	طاووس
22 %11	29 %19.3	13 %7.3	19 %9.6	24 %16.5	36 %24.4	21 %11.5	جمع
164							جمع کل

## 6-2- بدیع

حوزه‌های تأثیرگذاری بیدل در بدیع، در مباحث متناقض‌نما، حس‌آمیزی، تشخیص، تجرید و ایهام است. در اینجا، به دلیل پرهیز از اطاله کلام، به ذکر سه حوزه از آن‌ها بسنده می‌شود.

## 6-2-1- تصویرهای متناقض نما (پارادوکسی)

تصاویری است که دو روی ترکیب آن، به ظاهر، یکدیگر را نقض کنند. کاربرد این گونه تصاویر، گرچه در ادبیات ما پیشینه‌ای کهن‌تر از سبک هندی دارد، در سبک هندی، بسامد بالاتری به خود اختصاص داده است. صلاح‌الدین سلجوقی این بسامد سبکی و ساختار هنری را «تعین» می‌نامد (← آرزو، ص 55). در میان شاعران هندی‌سرا، بیدل بیشترین نمونه‌های این‌گونه تصاویر را دارد (← شفیع کدکنی، ص 54-57)؛ به نمونه‌ای از آن نظر افکنیم:

غیر عریانی لباسی نیست تا پوشد کسی از خجالت چون صدا در خویش پنهانیم ما

(دیوان بیدل دهلوی، ص 186)

چنین تصاویری که بر ابهام و خیال‌انگیزی شعر می‌افزاید در شعر شاعران متأثر از بیدل نیز مشهود است:

مرا خواندی، خموشی پاسخم شد کلام حق همیشه بی‌جواب است

(حسینی 2، ص 18)

## 6-2-2- حس آمیزی

از جمله آرایه‌هایی است که شاعران نسل اوّل در غزل‌های بیدل‌وار خویش از آن بسیار بهره برده‌اند. این آرایه، در شعر بیدل، شاعر را در تصویرسازی‌های پیچیده و خیال‌انگیز یاری می‌کند:

بین به ساز و مپرس از ترانه‌ای که ندارم توان به دیده شنیدن فسانه‌ای که ندارم

(دیوان بیدل دهلوی، ص 985)

بر سنگ‌فرش آرزوهایی که خواهم داشت از دور می‌بینم صدای پای آینه‌ست

(میرشکاک 1، ص 459)

## 6-2-3 حس آمیزی و تصاویر متناقض نما

گاهی بیدل در شعر خود، با استفاده از حس آمیزی و تصاویر متناقض نما در کنار یکدیگر، مضمون جدیدی می‌سازد که مخاطب آن را به راحتی در نمی‌یابد:

گوش مروّتی کو کز ما نظر نپوشد دست غریق؛ یعنی فریاد بی صدایم

(دیوان بیدل دهلوی، ص 1067)

نکته تأمل برانگیز در بیت مزبور پیچیدگی تصویری آن است که زیبایی و، در عین حال، دشواریابی معنا را سبب آمده. شاعران معاصر نیز از الگوی ترکیب تصاویر بهره برده‌اند:

گوش یکرنگی‌ام نمی‌جوشد با هیاهوی راه‌راه شما

(حسینی 2، ص 28)

چنان‌که در بیت مزبور مشهود است، تقریباً در یک بیت تمامی واژگان با هم آمیختگی تصویری دارند.

## جدول 2- تأثیر بیدل بر حوزه بدیع

شاعران بدیع	سید حسن حسینی	یوسفعلی میرشکاک	سید محمد عبّاسیه کهن	عبدالجبار کاکایی	ساعد باقری	علی معلم دامغانی	علیرضا قزوه
تصویرهای متناقض نما	9	5	2	1	1	9	1
حس آمیزی	1	2	1	1	1	1	-
ترکیب حس آمیزی و تصاویر متناقض نما	1	1	1	1	1	2	-
تشخیص	3	6	-	4	5	14	-
تجرید	1	3	3	1		1	-
ایهام	2	1	1	1	1		-
جمع	17	18	8	9	9	27	1
	19.1%	20.2%	8.9%	10.1%	10.1%	30.3%	1.12%
جمع کل	89						

### 6-3- زبان

#### 6-3-1- ترکیبات خاص

زبان فارسی، به لحاظ قابلیت ترکیب‌سازی، از نیرومندترین زبان‌هاست و شاعران فارسی‌زبان، هریک، به اقتضای سبک شخصی و دوره‌ای خویش، از آن بهره جسته‌اند. در اشعار بیدل، ترکیب‌هایی هست که نحوه خلق آن‌ها با ترکیب‌سازی شاعران پیشین متفاوت است. (← شفیع کدکنی، ص 64 و 65؛ علیزاده گلستانی، ص 48)

ساختار ترکیب‌های بیدل معمولاً دوکلمه‌ای است با سکونی که مابین آن‌ها رعایت می‌شود. دو طرف این ترکیب‌ها گاه دو امر ذهنی است، گاه یک امر عینی و ذهنی (← همان‌جا؛ کاظمی 3، ص 116-118). استفاده از چنین ترکیب‌هایی با بسامد بسیار بالا، اگرچه بر قابلیت تصویرآفرینی و ایجاز زبان می‌افزاید، از عوامل اصلی پیچیدگی شعر بیدل به شمار می‌آید. برخی از این برساخته‌ها ترکیب‌های وصفی و اضافی مقلوب است مانند «عزت‌کلاه»، «خامش‌نفس»، «دب‌فرسوده» و... به نمونه‌ای از آن نظر کنیم:

ادب‌فرسوده‌ایم، از ما عبث تعظیم می‌خواهی      نخیزد ناله بیمار هم اینجا ز بسترها

(دیوان بیدل دهلوی، ص 186)

چنین ترکیب‌هایی در شعر شاعران نسل اول نیز بسیار هست:

سفر فرسودگانِ یوسفِ خویشیم بر ساحلِ وطن‌گردابِ غربت‌موج فهمیدیم دریا را

(میرشکاک 1، ص 403)

#### 6-3-2- وابسته‌های عددی

از جمله ویژگی‌های سبک هندی وابسته‌های عددی بدیعی است. این ویژگی شاعر را در تصویرسازی، که از جمله ارکان اصلی سبک هندی است، یاری می‌کند. در شعر بیدل، وابسته‌های عددی تنوع بسیاری دارند، به‌ویژه وابسته‌هایی که یکی از دو عامل

بعد از عددی امری انتزاعی باشد و یا هر دو از اموری انتزاعی باشند (← شفیی کدکنی، ص 46-47). اینک، نمونه‌هایی از ساختار چهارگانه وابسته‌های عددی:

قیامت می‌کند حسرت، نپرس از طبع ناشادم که من صد دشت مجنون دارم و صد کوه فرهادم  
(دیوان بیدل دهلوی، ص 1126)

ای قیامت صبح‌خیز لعل خندان شما شور صد صحرا جنون گرد نمکدان شما  
(همان، ص 100)

چنین وابسته‌هایی در شعر شاعران متأثر از بیدل نیز نمود دارد:

رنجه از طعنه پیران پریشان نشدم با چهل چله جنون، پند جوان را چه کنم؟  
(قزوه، ص 36)

چشمی بیار و چشمه آب حیات شو دل را بشوی و آینه ذوالجلال شو  
(همان، ص 75)

### 3-3-6 مفردات و ترکیبات بیدل‌وار

در اینجا، ضروری می‌نماید فهرست‌وار به واژگانی در غزل‌های شاعران نسل اول اشاره کنیم که در مفردات و ترکیب‌سازی‌های شعر بیدل بسامد بالایی دارند و از ویژگی‌های سبکی او به شمار می‌آیند: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رفته بودم نفسی تازه کنم در شب دشت به نهان‌خانه خمیازه گور افتادم  
(باقری، ص 13)

زبان به شکوه گشودن را که بست گوش شنیدن‌ها به روی عرض نیاز ما همین گشوده در ناز است  
(میرشکاک 1، ص 445)

تسّم غنچه‌پرورد لب اوست شرابی شد شکرخند الستش  
(عباسیه‌کهن، ص 10)

نداریم آفت اهل تعلق که اسباب تجرد بردنی نیست  
(معلم دامغانی، ص 204)

مفلسانِ لفظ را با معنیِ رنگین چه کار؟ خون شعر زخمی ما را به دفتر می‌کشند  
(حسینی 2، ص 62)<sup>1</sup>

جدول 3- تأثیر بیدل بر حوزه زبان

شاعران							
زبان	سید حسن حسینی	یوسفعلی میرشکاک	سید محمد عباسیه کهن	عبدالجبار کاکایی	ساعد باقری	علی معلم دامغانی	علیرضا قزوه
ترکیبات خاص	6	10	3	1	1	1	4
وابسته‌های عددی		6	4	1	1	1	4
مفردات و ترکیبات	13	21	8	10	2	12	4
اضافات	4	3	4	3	6	30	4
تضمین و استقبال	-	-	1	2	-	-	-
اشاره به نام بیدل	-	2	-	-	-	1	-
جمع	23 %13.2	42 %24.2	20 %11.5	17 %9.8	10 %5.7	45 %26.1	16 %9.2
جمع کل	173						

### 7- نتیجه

تأثیرپذیری غزل شاعران نسل اول انقلاب را از بیدل، بر اساس بسامد، می‌توان به ترتیب در سه حوزه بررسی کرد: بیان، بدیع و زبان. نمادپردازی، از مباحث علم بیان، در غزل نسل یادشده گسترده‌ترین عرصه متأثر از سبک بیدل است. چون بسامد بالای نمادهای

1. و نیز ← میرشکاک 1، ص 443.



ابداعی و همچنین بهره‌گیریِ بدیع از نمادهای رایج در شعر فارسی و به‌ویژه سبک هندی از ویژگی‌های برجسته سبک بیدل است، بازتاب چشمگیر آن در غزل بیدل‌وارِ نسل اول انقلاب اسلامی طبیعی و حدود هفده نماد است؛ از جمله: آینه، رنگ، نفس، تصویر، سرمه، جنون و ... .

آرایه‌های بدیعی، از جمله تصویرهای متناقض‌نما و تشخیص، بیش از دیگر آرایه‌ها در جریان شعری نسل اول انقلاب اسلامی نمود دارد. در حوزه زبان، از وابسته‌های عددی و نیز ترکیب‌های اضافی و وصفی مقلوب به شیوه بیدل استفاده شده است. تأثیرپذیری دیگر در حوزه زبانی آوردن مفرداتی است که در غزل بیدل تشخیص آشکارا یافته است.

گفتنی است، در شعر شاعران نسل اول انقلاب اسلامی، میزان تأثیرپذیری از بیدل یکسان نیست. چنان‌که در شواهد مذکور مشاهده شد، برخی بیش از دیگران تحت تأثیر ذهن و زبان بیدل واقع شده‌اند. دلیل این تفاوت به سبک شخصی شاعران و اقتضائات ذهنی و عاطفی آنان باز می‌گردد. در این میان، یوسفعلی میرشکاک آشکارتر از دیگران این تأثیرپذیری را نمایان می‌کند که شامل حوزه‌های بیان (55 مورد) و زبان (42 مورد) است. علی معلم دامغانی نیز، با بیشترین بسامد در حوزه‌های بدیع (27 مورد) و زبان (45 مورد)، از دیگر سردمداران تأثیرپذیری از بیدل است. پس از او، سیدحسن حسینی است که در غزل‌های خود، که به غزل نوکلاسیک نزدیک است، تأثیرپذیری از بیدل را به پوشیده‌ترین شکل بیان کرده؛ چنان‌که میانگین آن در تمام حوزه‌ها 21 مورد است. میزان بیدل‌گرایی در غزلیات ساعد باقری، عبدالجبار کاکایی و سیدمحمد عبّاسیه‌کهن متوسط و میانگین آن در تمامی حوزه‌ها 15 مورد است. کمترین میانگین نیز با 13 مورد به اشعار علیرضا قزوه اختصاص دارد.

تأثیرپذیری از بیدل در غزل معاصر ظاهراً به آثار نسل اول شاعران انقلاب اسلامی منحصر می‌شود که با بیدل انس بیشتری داشته‌اند، اما اینکه آیا روند این تأثیرپذیری همچنان در غزل معاصر نسل دوم و سوم انقلاب اسلامی ادامه دارد یا خیر مستلزم پژوهش دیگری است.

### منابع

- آرزو، عبدالغفور، در *خانه آفتاب* (سیری در احوال و آثار بیدل)، سوره مهر، تهران 1387.
- باقری، ساعد، *گزیده ادبیات معاصر (30)*، کتاب نیستان، تهران 1378.
- دیوان بیدل دهلوی*، میرزا عبدالقادر بن عبدالخالق، تصحیح علی‌اکبر بهداروند، نگاه، تهران 1386.
- حسن زاده لیله‌کوهی، محسن، *فریادهای خسته*، کتاب نیستان، تهران 1381.
- حسینی (1)، سیدحسن، *بیدل، سپهری، سبک هندی، سروش*، تهران 1367.
- \_\_\_\_\_ (2)، *سفرنامه گردباد*، انجمن شاعران ایران، چاپ دوم، تهران 1388.
- سلجوقی، صلاح‌الدین، *نقد بیدل*، عرفان، چاپ سوم، تهران 1388.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، *شاعر آینه‌ها* (بررسی سبک هندی و شعر بیدل)، آگاه، چاپ هشتم، تهران 1387.
- عباسی‌کهن، سیدمحمد، *شهر من، عشق، سازمان تبلیغات اسلامی: حوزه هنری*، تهران 1376.
- عزیزی، احمد، *روستای فطرت*، برگ، تهران 1368.
- علیزاده گلستانی، جعفر، *جلوه‌های بندگی در شعر بیدل دهلوی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، به راهنمایی حسن بساک، دانشگاه پیام نور بجنورد، 1387.
- قزوه، علیرضا، *سوره انگور*، تکا، چاپ چهارم، تهران 1389.
- کاظمی (1)، محمدکاظم، *ده شاعر انقلاب*، سوره مهر، تهران 1390.
- \_\_\_\_\_ (2)، *کفران*، تکا، چاپ دوم، تهران 1388.
- \_\_\_\_\_ (3)، *کلید در باز* (رهیافت‌هایی در شعر بیدل)، سوره مهر، تهران 1387.
- \_\_\_\_\_ (4)، *گزیده غزلیات بیدل*، عرفان، چاپ دوم، تهران 1388.
- \_\_\_\_\_ (5)، *مرثع صدرنگ* (شرح صد رباعی از بیدل)، سپیده باوران، مشهد 1388.
- کاظمی، محمدکاظم و محمدآصف رحمانی، *شعر مقاومت افغانستان*، سوره مهر، چاپ دوم، تهران 1371.

- کاکایی (1)، عبدالجبار، *گزیده ادبیات معاصر (7)*، کتاب نیستان، تهران 1378.
- (2)، *با سکوت حرف می‌زنم*، نشر علم، تهران 1387.
- معلم دامغانی، علی، *رجعت سرخ ستاره*، سوره مهر، چاپ پنجم، تهران 1387.
- میرشکاک (1)، *گفتگویی با زن مصلوب*، تکا، چاپ دوم، تهران 1388.
- (2)، *ماه و کتان*، برگ، تهران 1368.
- هادی، نبی، *عبدالقادر بیدل (زندگی، نقد و بررسی و گزیده آثار)*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، قطره، تهران 1376.

